

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰، صفحات ۱۵۱-۱۶۴

تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توانمندسازی زنان روستایی

سیدسعید آیت و الهه اعظمیان*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۱۶

چکیده

با توجه به اهمیت توسعه پایدار در روستاها و وضعیت ایران، افزایش مهارت‌های زنان روستایی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای وضعیت روستاها داشته باشد. فناوری اطلاعات به دلیل تعدد نقش‌هایی که در رویکرد توسعه دارد و با ایجاد شبکه گسترده‌ای که به ایفای این نقش‌ها می‌پردازد، می‌تواند سبب توانمندسازی و تأثیرگذاری آگاهانه بر زنان گردد. در این تحقیق رابطه میان توانمندی زنان روستایی و میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در روستای شاپورآباد در استان اصفهان در سال ۱۳۸۹ با شیوه تحلیلی- توصیفی بررسی شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل ۳۱۷ نفر از زنان با سواد با سن بالای ۱۵ سال است که از طریق نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در ابعاد بررسی شده، زنان در سطوح بالای استفاده از فناوری، از توانمندی بیشتری برخوردارند.

کلیدواژه‌ها: فناوری اطلاعات و ارتباطات / زنان روستایی / توانمندسازی / شاپورآباد (روستا) / برخوار و میمه (شهرستان).

* به ترتیب، نویسنده مسئول و عضو هیئت علمی گروه علمی مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات، دانشگاه پیام نور، مرکز نجف‌آباد (dr.ayat@pnu.ac.ir)؛ و دانشجوی دانشگاه پیام نور مرکز نجف‌آباد.

مقدمه

در یک بررسی کلی، فرایند کمک به افراد روستایی از طریق اولویت‌بندی نیازها، فعال کردن آنها، و سرمایه‌گذاری در زمینه ایجاد زیرساخت‌ها و ارائه خدمات اجتماعی می‌تواند در توسعه پایدار روستایی مؤثر باشد، از این رو فناوری اطلاعات نقش بسیار مؤثری در توسعه روستایی ایفا می‌کند (حاجیلو و خانی، ۱۳۸۷).

به طور مثال فناوری اطلاعات می‌تواند در زمینه‌های مختلف توسعه روستایی نظیر اصلاح الگوی مصرف آب کشاورزی (یوسفی، خلیلیان و بلالی، ۱۳۹۰)، پیش‌بینی قیمت محصولات، بررسی مزایای نسبی محصولات مختلف، و آموزش و ارتقای سطح علمی روستاییان تأثیرگذار باشد.

«فناوری اطلاعات و ارتباطات» (ICT) عبارت است از: فرایند تولید، ذخیره‌سازی، پردازش، نشر، دستیابی، انتقال و تبادل اطلاعات از طریق ظرفیت‌های مخابراتی و رسانه‌هایی از قبیل رادیو، تلویزیون و تکنیک‌هایی مانند رایانه و ارتباط تلفنی که استفاده از آنها برقراری عدالت در دسترسی و استفاده عموم از منابع اطلاعاتی و امکان تعامل با سایر گروه‌ها را ممکن می‌کند (Mathur and Ambani, 2005).

همچنین «فناوری اطلاعات و ارتباطات» با تدارک اطلاعات و دانش، منجر به توانمندی افراد و ایجاد فرصت‌های یادگیری و درآمد می‌شود، قدرت تصمیم‌گیری افراد را بالا می‌برد، و عاملی برای غلبه بر محدودیت‌های زمانی و مکانی است (United Nations, 2004).

مطابق ارزیابی‌های انجام گرفته در زمینه آمادگی الکترونیکی کشورها جهت بهره‌مندی از قابلیت‌های فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، تأثیر «فناوری اطلاعات و ارتباطات» بر توسعه تا حد زیادی وابسته به شرایط محیطی، فنی، انسانی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی جوامع است (World Bank, 2005)؛ همچنین عمده‌ترین چالش‌ها و تنگناها در استفاده مؤثر از فناوری اطلاعات و ارتباطات در جوامع روستایی شامل نوع خدمات ارائه شده، دسترسی، سیاست توسعه و گفتگو، شکاف دیجیتالی

(Chiemeka and Daodu, 2006)، ایجاد آگاهی و توسعه محتوای مورد نیاز (Kiri and Menon, 2006)، اقتصاد وقوانین، منابع انسانی و مانند آن است (Rajora, 2003).

به نظر می‌رسد که راه حل درست توسعه «فناوری اطلاعات و ارتباطات» در روستاها، در نظر گرفتن یک روال مناسب است که توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را برای روستاها به دنبال داشته باشد و به اجرای عدالت در جامعه کمک کند. (SAARC Agricultural Information Centre, 2003). تجربیات جهانی می‌توانند برای ما درس مناسبی باشند. برای مثال در روستای کاتمیل در سریلانکا برای آشنا کردن مردم با اینترنت از رادیوی محلی استفاده کردند. روش دیگر توسعه فرهنگی، برگزاری دوره در مکان‌هایی مثل مدارس روستایی، مساجد یا کتابخانه‌ها برای آشنایی روستاییان با خدمات «فناوری اطلاعات و ارتباطات» و جا افتادن این مقوله بوده است.

در مورد زنان روستایی، براساس مطالعات با وجود اینکه نیمی از جمعیت فعال روستایی را زنان تشکیل می‌دهند که نقش چشم‌گیری در تولید ناخالص ملی دارند، ولی به دلیل شرایط خاص فرهنگی و مذهبی، مشارکت اجتماعی فعال ندارند و همواره در حاشیه برنامه‌های توسعه قرار می‌گیرند (حاجیلو و خانی، ۱۳۸۷).

زنان روستایی یک سوم از نیروی کار رسمی روستایی را به خود اختصاص داده‌اند، همچنین از نظر اقتصادی نیز زنان ۱۰ درصد درآمد جهان و یک سوم دارایی‌های جهان را در اختیار دارند (جمشیدی و کرمی، ۱۳۸۳).

با عنایت به گستره نقش‌های زنان روستایی، بالطبع نیازهای آنها نیز از تنوع و وسعت خاصی برخوردار است. در عین حال، با وجود اهمیت زنان در نیل به اهداف توسعه، متأسفانه نقش و جایگاه آنان در بسیاری از برنامه‌ریزی‌های توسعه نادیده انگاشته شده است. این کم‌توجهی در برنامه‌ریزی‌ها، تخصیص منابع و نیز روند اقدامات، موجب کند شدن و حتی ناکامی برنامه‌های توسعه شده است (عمادی، ۱۳۷۷).

ورود ماشین‌آلات کشاورزی به روستاها که از ابعاد مهم توسعه به شمار می‌رود و می‌تواند در قالب شاخصی مؤثر در برنامه‌ریزی روستایی مورد توجه قرار گیرد، باعث شده است که نقش فعال زنان در عرصه تولید کاهش یابد و زنان روستایی تولیدکننده سابق، به زنان خانه‌دار مصرف‌کننده تبدیل شوند؛ روندی که با پیامدهای منفی در عرصه اقتصاد روستا همراه است و در عمل قشری عظیم و فعال را از فرایند تولید حذف می‌کند. در این راستا، ایجاد اشتغال مناسب با توانمندی‌ها و نیازهای روز زنان و پاسخ‌گویی به آنها حائز اهمیت فراوان است (نامدار، ۱۳۸۹).

اکنون صاحب‌نظران معتقدند که می‌بایست با بازنگری در دیدگاه‌های برنامه‌ریزی، توجه و تأکید ویژه‌ای نسبت به این قشر مبذول شود. از این رو، براساس تغییر و تحول صورت گرفته در دیدگاه‌های توسعه، رهیافت‌های مشارکتی و توانمندسازی زنان روستایی مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. در عین حال، به موازات طرح این موضوعات، شاهد افزایش نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در عرصه‌های مختلف صنعتی، آموزشی و کاربردی هستیم. بنابراین، فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند نقش مهمی را در توانمندسازی زنان روستایی و آماده‌سازی آنان برای حضور مؤثرتر در عرصه اجتماع ایفا کند؛ به عنوان مثال این فناوری می‌تواند امکان آموزش از راه دور را در زمینه‌های مختلف فرهنگی و بهداشتی برای آنان فراهم آورد.

بر این اساس سؤال اصلی این پژوهش آن است که چه ارتباطی میان فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانمندی زنان در جامعه روستایی وجود دارد؟

پیشینه نظری

به‌طورکلی جنسیت به عنوان نظام اجتماعی، تعیین‌کننده نقش و روابط مشخص بین زنان و مردان است. جنسیت براساس تفاوت‌های زیست‌شناختی بنا نشده، بلکه بر مبنای محتوای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شکل گرفته است. از این رو، همان گونه که جنس مرد و زن به لحاظ زیست‌شناختی متفاوت است، نقش‌های مردان و زنان

روستایی نیز به لحاظ اجتماعی شکل می‌گیرند و می‌توانند در همهٔ زمان‌ها براساس زمینهٔ اجتماعی و موقعیت جغرافیایی تغییر یابند (O'Farrell and Treinen, 2002). فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند ضمن فراهم آوردن امکان دسترسی بیشتر و سریع‌تر به منابع اطلاعاتی، فرصت‌های نوینی برای توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان روستایی و نیز بهبود وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی در روستاها ایجاد کند.

در این ارتباط شکاف دیجیتالی جنسیت به عنوان پیامد جانبی شکاف اطلاعاتی مطرح می‌شود. منظور از شکاف دیجیتالی جنسیت، فاصله بین زنان و مردان در دسترسی به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، تعداد کم دختران و زنان در دوره‌های تحصیلی مرتبط با فناوری اطلاعاتی و ارتباطی، و فقدان یا اندک بودن تعداد زنان در نهادهای تصمیم‌گیری مرتبط با فناوری‌های یادشده است. مهم‌ترین علت ایجاد شکاف دیجیتالی جنسیت، فقدان هدایت جنسیتی در سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌ها در هر دو سطح کلان و خرد است (زاهدی، ۱۳۸۴: ۵۲).

برای برطرف کردن چنین تفاوت‌هایی، لازم است براساس نیازهای واقعی در دو حیطه ذیل اقدام گردد:

۱- توانمندسازی زنان روستایی برای استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور بهبود معاش و وضعیت خانواده و محیط پیرامون و تقویت تأثیر آنان در سطح ملی و محلی.

۲- اطمینان از اینکه کارگزاران توسعه به صورت نظام‌مند، رهیافت‌های حساس به جنسیت را در برنامه‌های توسعهٔ کشاورزی و روستایی در اولویت قرار می‌دهند.

طی چند سال اخیر اقداماتی در زمینه توسعهٔ فناوری اطلاعات و ارتباطات در نواحی روستایی کشور انجام شده است که از آن جمله می‌توان به تأکید بر دستیابی به جامعهٔ دانش‌بنیاد و اطلاعاتی و گسترش کاربرد فناوری اطلاعات در سطح ملی و روستایی در سند چشم‌انداز بیست ساله و برنامهٔ چهارم توسعه، راه‌اندازی مراکز جامع

خدمات فناوری اطلاعات و ارتباطات در چند روستای کشور به کمک UNDP، تصویب پروژه تجهیز ده هزار روستای کشور به دفاتر فناوری اطلاعات و ارتباطات روستایی و تدوین سند راهبردی توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات روستایی کشور اشاره کرد.

این اقدامات، به خصوص ایجاد مراکز جامع خدمات فناوری اطلاعات و ارتباطات روستایی در چند روستای کشور، فرصت مناسبی را فراهم کرده تا ابعاد مختلف تأثیرگذاری این فناوری بر گروه‌های مختلف جامعه روستایی و به خصوص زنان روستایی بررسی و ارزیابی شود.

چارچوب نظری

جامعه‌ای را که در آن کیفیت زندگی، گستره دگرگونی اجتماعی و توسعه اقتصادی به گونه‌ای روزافزون به اطلاعات و بهره‌گیری از آن متکی باشد، یا به عبارت دیگر اطلاعات، از نقشی اساسی در کلیه امور زندگی برخوردار باشد، جامعه اطلاعاتی می‌گویند (سرلک و فراتی، ۱۳۸۷: ۶). در این جامعه استانداردهای زندگی و الگوهای کار و فراغت، نظام آموزشی و فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی از پیشرفت اطلاعات و دانش فنی تأثیر می‌پذیرد. نشانه این امر، تولید رو به گسترش کالاها و خدمات مرتبط با اطلاعات و اشاعه آنها از طریق حلقه گسترده‌ای از رسانه‌ها، به ویژه فناوری‌های چندرسانه‌ای، و به‌طور کلی غلبه فناوری اطلاعات در امر ذخیره، پردازش، و انتقال اطلاعات است.

جامعه اطلاعاتی آمیزه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها را به بشریت نشان می‌دهد. آنچه دوران‌دیشان کشورهای رو به توسعه را به تامل وامی‌دارد، این است که تشدید «شکاف اطلاعاتی و دانشی» این کشورها و کشورهای پیشرفته، که دائماً ابعاد وسیع‌تر و ژرف‌تری به خود می‌گیرد، دورنمای اقتصادی و اجتماعی تاریکی را در مقابل ملت‌های محروم ترسیم می‌کند (شعبانی و چشمه سهرابی، ۱۳۸۷).

در یک عبارت کلی، تفاوت دسترسی مؤثر به فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، شکاف دیجیتالی نامیده می‌شود که در این مقاله آن را بدین صورت بیان می‌کنیم: از آنجا که فناوری اطلاعات یا به عبارتی دنیای دیجیتال در حال ایجاد تحول در ابعاد مختلف زندگی است، تفاوت توانایی و امکان استفاده از این ابزار برای افراد یا کشورهای مختلف، مثلاً میان کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، یا بین جامعه شهری و روستایی، یا حتی نحوه تسلط و به‌کارگیری در نسل‌ها، پدیده شکاف دیجیتالی را ایجاد می‌کند. بنابراین، به نظر می‌رسد در دسترس بودن این فناوری برای روستاها و قابلیت استفاده بهینه از آن برای موارد مختلف نظیر آموزشی، فرهنگی، و رفاهی از موارد مؤثر در توسعه روستاهای کشور باشد.

به‌طور کلی استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند چشم‌اندازهای مثبت زیر را برای روستاها به همراه داشته باشد که تأثیر آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی زنان روستایی حائز اهمیت است:

- تولید انعطاف‌پذیر و بازده بهینه زمین‌ها که باعث ایجاد امکان رقابت بهتر شرکت‌های روستایی با رقبای بزرگ می‌شود؛
- کاهش شدید اثر فاصله و بعد مکانی؛
- افزایش تراکم جمعیت روستاها؛ عده‌ای به دلیل پیشرفت‌ها و فرصت‌های به وجود آمده به روستاها مهاجرت می‌کنند، و بومیان مهاجرت کرده نیز به دلیل نیاز به مهارت‌های مورد نیاز اقتصاد جدید.

مراحل اجرای کامل توسعه «فناوری اطلاعات و ارتباطات» روستایی می‌تواند همچون توسعه دولت الکترونیکی در ۵ مرحله: پیدایش، ارتقا، تعامل، تراکنش و یکپارچه‌سازی دیده شود. در اولین قدم باید مرحله پیدایش به دقت طی شود که تهیه سند راهبردی توسعه «فناوری اطلاعات و ارتباطات» روستاهای کشور در این مرحله جای دارد.

ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه که جمعیت روستایی آن رو به کاهش و جمعیت شهری آن رو به افزایش است، به شدت به توسعه «فناوری اطلاعات و ارتباطات» در روستاها و مناطق دور دست نیاز دارد. گرچه بعضی وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی که به نوعی با روستاها ارتباط دارند، قدم‌های ابتدایی را برداشته‌اند، اما هنوز اراده لازم برای توسعه سریع و منطقی این فناوری در روستاها دیده نمی‌شود. در این مسیر با توجه به تجربیات کشورهای هم‌تراز ایران، به نظر می‌رسد که بهتر است دولت گام‌های اولیه‌ی هدایتی و سرمایه‌گذاری زیرساختی را بردارد؛ سپس با تقویت بخش خصوصی زمینه توسعه بیشتر فراهم گردد. در این تحقیق روستای شاپورآباد به عنوان یک نمونه آماری مورد مطالعه قرار گرفته است.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر کاربردی- توسعه‌ای است و با استفاده از شیوه تحلیل و توصیفی به بررسی مسئله پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان با سواد بالای ۱۵ ساله در روستای شاپورآباد از توابع شهرستان برخوار و میمه در استان اصفهان، و زمان انجام آن نیمه دوم سال ۸۹ است.

روستای شاپورآباد مرکز دهستان شاپورآباد و دهستان شاپورآباد تابع بخش برخوار شهرستان برخوار و میمه است. روستای شاپورآباد در ۲۰ کیلومتری شهر اصفهان در مرز کویر قرار دارد و آب و هوای آن گرم و خشک است. جمعیت روستا در زمان انجام تحقیق، در حدود ۶۰۰۰ نفر بوده است. شغل اکثر مردم روستا کارگری و کشاورزی، و منبع آب کشاورزی آن آب زیرزمینی است. به علت برداشت بی رویه از آبهای زیرزمینی، سطح آب زیرزمینی در چند سال اخیر افت شدیدی داشته است و به تبع آن کشاورزی از رونق افتاده و اکثر مردم از کشاورزی به کارگری تغییر شغل داده‌اند.

تعداد نمونه مورد مطالعه از طریق نمونه‌گیری تصادفی مشخص شد. از میان کل زنان با سواد روستای شاپورآباد به تعداد ۱۷۸۴ نفر، ۳۱۷ نفر به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. از این تعداد ۲۰۰ نفر کاربر «فناوری اطلاعات و ارتباطات» بودند که توانایی کار با رایانه، در حد انجام امور عادی نظیر پرداخت قبوض را داشتند و ۱۱۷ نفر باقی‌مانده، غیرکاربر بودند.

فرضیه اصلی پژوهش آن است که رابطه معناداری میان میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، و توانمندی زنان روستایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی وجود دارد. شاخص‌های پژوهش در دو گروه در نظر گرفته شده است: شاخص‌های میزان استفاده از فناوری، و شاخص‌های توانمندی زنان. به منظور ارزیابی توانمندی زنان در این دو گروه، از شاخص‌های توانمندی در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و روانی (رجوع شود به: فرجی سبکبار، خاکی و نعمتی، ۱۳۸۸) و با الهام از پرسشنامه‌های مطرح در این خصوص استفاده شد (جدول ۱). این شاخص‌ها با بهره‌گیری از گویه‌های استاندارد و در قالب یک پرسشنامه تدوین و در اختیار جامعه نمونه گذاشته شد. روایی پرسشنامه را تعدادی از اساتید و متخصصان این حوزه تأیید کردند.

شاخص‌های فناوری نیز براساس میزان و سطح استفاده از فناوری، در قالب گویه‌هایی تنظیم شد و به همراه پرسشنامه توانمندی در اختیار پاسخگویان قرار گرفت.

جدول ۱- شاخص‌های توانمندی زنان در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی

مولفه‌ها	شاخص‌ها
توانمندی اقتصادی	کسب یا افزایش درآمد، توانایی بازپرداخت وام، قدرت پس انداز کردن
عزت نفس	احساس موفقیت در زندگی و داشتن توانایی‌های زیاد، احساس رضایت از خود، توانایی کمک مؤثر به اطرافیان در صورت بروز مشکل، احساس شرمندگی از خود در غالب اوقات
خود اثر بخشی	احساس توان بهبود وضع آینده خود و خانواده، احساس ناتوانی در تغییر زندگی خود و خانواده با امکانات موجود، باور به حل مشکل با سعی و تلاش در صورت رویارویی با آن، خود اتکایی در مواجهه با مشکل، احساس بی فایده بودن تلاش‌های فردی و بدتر شدن فزاینده وضع زندگی، توانایی حفظ خونسردی در برخورد با مشکلات، توان استفاده از مهارت‌ها برای اداره زندگی
استقلال فکری	خرید یا تغییر منزل، مدیریت خرج خانه، تعیین مدرسه و رسیدگی به مسائل تحصیلی فرزندان
احساس قدرت	باور به داشتن توان در تغییر سرنوشت، باور به داشتن توان اثرگذاری بر رویدادهای جامعه، باور به داشتن توان از بین بردن فقر و نیازمندی
توانمندی سیاسی	شرکت در انتخابات، شرکت در راهپیمایی
مشارکت اجتماعی	شرکت در مجالس مذهبی مانند روضه خوانی، و سفره، شرکت در فعالیت‌های خیریه مانند کمک به سالمندان و تهیه مواد خوراکی برای زلزله‌زدگان، همکاری با همسایگان و انجام فعالیت‌های گروهی

منبع: فرجی سبکبار، خاکی و نعمتی، ۱۳۸۸

یافته‌های پژوهش

متناسب با ماهیت مسئله و جامعه آماری پژوهش، برای وجود یا نبود همبستگی از آزمون t و برای محاسبه میزان همبستگی از ضریب همبستگی استفاده شده است. بر این اساس، فرضیه‌های آماری تحقیق به شرح زیرند:

- فرضیه صفر: همبستگی معناداری میان میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانمندی زنان روستایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی وجود ندارد.

- فرضیه جایگزین: همبستگی معناداری میان میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانمندی زنان روستایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی وجود دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده که در جدول ۲ آورده شده، فرضیه صفر در سطح معنی داری ۹۹ درصد رد می شود و فرضیه جایگزین پذیرفته می شود، بدین معنی که وجود همبستگی بین میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و توانمندی زنان روستایی با اطمینان ۹۹ درصد تأیید می شود. مقدار این همبستگی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون $0/498$ برآورد شده است.

در ادامه وجود همبستگی بین میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانمندی زنان در هر کدام از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۲- همبستگی بین شاخص کلان توانمندی زنان و سطح استفاده از فناوری

شاخص ها		شاخص توانمندی
شاخص فناوری	ضریب همبستگی پیرسون	$0/498(**)$
	سطح معناداری	0.000

** همبستگی در سطح $0/01$ معنی دار است.

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۳- همبستگی بین مجموع شاخص‌های توانمندی زنان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی با سطح استفاده از فناوری

توانمندی اقتصادی	توانمندی سیاسی	توانمندی روانی	توانمندی اجتماعی	شاخص‌ها (**)	
۰/۰۳۸	۰/۱۵۸	۰/۵۴۲	۰/۱۲۳	همبستگی پیرسون	شاخص
۰/۷۸۰	۰/۲۳۵	۰/۰۱۴	۰/۳۴۶	سطح معنی داری	فناوری

**همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی دار است.

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس جدول ۳ وجود رابطه همبستگی بین میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانمندی زنان در بعد روانی در سطح معنی داری ۹۵ درصد تأیید شده و میزان ضریب همبستگی پیرسون ۰/۵۴۲ است. اما وجود این رابطه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی تأیید نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

وجود ارتباط مستقیم میان فناوری اطلاعات و ارتباطات و توانمندی زنان در جامعه روستایی را می‌توان به عنوان اصلی‌ترین نتیجه این پژوهش مورد تأکید قرار داد. به این معنی که استفاده‌کنندگان از فناوری در سطوح بالا از نظر شاخص‌های توانمندی در وضعیت بهتری قرار دارند. در مجموع می‌توان گفت که فناوری اطلاعات و ارتباطات به دلیل ماهیت ویژه خود که در آن محدودیت‌های جنسی و سنی اهمیت ندارد، می‌تواند نقش ارزنده‌ای در افزایش توانمندی زنان روستایی داشته باشد.

با این وجود، در حالی که انتظارات از قابلیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات بالاست، ولی باید تأکید شود که فناوری‌های یادشده به تنهایی پاسخگوی تمامی مشکلات فراروی زنان روستایی نیستند، بلکه تنها می‌توانند فرصت‌ها، منابع و کانال‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی نوین را برای توانمندسازی، خودتکایی و پیشرفت در جوامع انسانی بگشایند.

منابع

- جمشیدی، مژگان و کرمی، عزت‌الله (۱۳۸۳)، «پیامدهای توسعه روستایی برای زنان». *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، سال ۱، جلد ۲، شماره ۲.
- حاجیلو، فتانه و خانی، فضیله (۱۳۸۷)، «بررسی تأثیر نگرش مردان بر ایجاد گروه‌های مستقل زنان روستایی: مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۱، شماره ۱.
- زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۸۴)، «شکاف دیجیتالی جنسیت؛ نمودی از نابرابری در جامعه اطلاعاتی». *مجموعه مقالات همایش سراسری زنان و اینترنت در هزاره سوم*، آبان ۱۳۸۴. تهران: نشر بروج.
- سرلک، محمدعلی و فزائی، حسن (۱۳۸۷)، *سیستم‌های اطلاعات مدیریت پیشرفته*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- شعبانی، احمد و چشمه سهرابی، مظفر (۱۳۸۷)، *علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی*. تهران: دبیرش.
- عمادی، محمدحسین (۱۳۷۷)، «تسریع روند توسعه روستایی از طریق اولویت بخشی به زنان و تحول در پژوهش». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۲، شماره ۴.
- فرجی سبکبار، حسنعلی؛ خاکی، افشین و نعمتی، مرتضی (۱۳۸۸)، «ارزیابی نقش ICT در توانمندسازی زنان روستایی، مطالعه موردی روستای قرن آباد». *فصلنامه جغرافیا*، دوره جدید، سال ۷، شماره ۲۲، صص. ۱۵۹-۱۷۵.
- نامدار، محبوبه (۱۳۸۹)، «عوامل مؤثر بر اشتغال زنان همراه با ورود فناوری‌های نوین به عرصه اقتصاد روستایی: مطالعه موردی کمباین داران استان فارس». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۳، شماره ۲.
- یوسفی، علی؛ خلیلیان، صادق و بلالی، حمید (۱۳۹۰)، «بررسی اهمیت راهبردی منابع آب در اقتصاد ایران با استفاده از الگوی تعادل عمومی». *اقتصاد و توسعه کشاورزی*، جلد ۲۵، شماره ۱، صص. ۱۰۹-۱۲۰.
- Chiemeke, S. C. and Daodu, S. S. (2006), "Bridging the digital divide in rural community: A case study of Ekwuoma tomato producers in southern Nigeria". *Proceeding of the International Conference on Advances in Engineering and Technology*, Entebbe, Uganda. 16-19 July 2006. Elsevier. pp. 533-537.

- Kiri, K. And Menon, D. (2006), "Rural kiosks on profit mode". Retrieved on 20 April 2011, Available on: <http://www.edu-doc.com/ebook/kkiri.html>
- Mathur, A. and Ambani, D. (2005), "ICT and rural societies: opportunities for growth". *The International Information and Library Review*, Vol. 37, No. 4, pp. 345-351.
- O'Farrell, C. and Treinen, S. (2002), "FAO, gender and ICTs". In FAO (ed.) *COAIM Side Event: Gender and Agricultural Information Management*. Retrieved on 20 April 2011, Available on: <ftp://ftp.fao.org/sd/SDW/SDWW/COAIM-paper-final.doc>
- Rajora, R. (2003), "Assessment and effectiveness of ICT in addressing rural poverty reduction". *Report of the Ad Hoc Expert Group Meeting on ICT for Rural Poverty Reduction: Developing National ICT Policies*, Bangkok, 28-29 January. Bangkok: Economic and Social Commission for Asia and the Pacific.
- SAARC Agricultural Information Centre (2003), *Role of Information and Communication Technology (ICT) for Poverty Alleviation Through Agricultural Development in SAARC Countries*. Dhaka: SAARC.
- United Nations (2004), "Building e-community centers for rural development". *Report of the Regional Workshop*, Bali, Indonesia, 8-14 December. Retrieved on 20 April 2011, Available on: <http://www.adbi.org/files/2004.12.08.cpp.proceedings.building.ecomunity.pdf>
- World Bank (2005), "E-Ready for what? E-Readiness in developing countries: current status and prospects toward the millennium development goals". Retrieved on 20 April 2011, Available on: <http://www.infodev.org/en/Document.3.pdf>